

تأثیر خانواده بر مشارکت سیاسی زنان

کوثر روحانی

طلبه سطح ۲ مدرسه علمیه بانو امین

چکیده:

تمایل گسترده ی آحاد مردم به نیل به دموکراسی و مشارکت آنان، به ویژه زنان در امور سیاست، یکی از شاخصه های مهم جهانی شدن در ابعاد سیاسی است. بنابراین مشارکت زنان در همه ی فعالیت های اجتماعی مانند سیاست ضروری است، به نحوی که می توان گفت اقلیت بودن زنان در امور سیاسی، موجبات ناتمامی دموکراسی را در جامعه فراهم می کند. اهمیت مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان در کشورهای جهان سوم هم برای رشد و توسعه جوامع و هم برای خود شکوفایی زنان روز به روز افزایش می یابد، و ضرورت مطالعه آن بیشتر می شود. در این میان خانواده یک زن در مشارکت سیاسی او نقشی مهم و اثرگذار دارد. در واقع یک زن بدون حمایت خانواده نمی تواند در مناسبات سسیاسی نقش آفرین بوده و مشارکت کند. این تحقیق می کوشد تا با استفاده از روش توصیفی تحلیلی، نقش و تأثیر خانواده بر مشارکت سیاسی زنان را مورد واکاوی و بررسی قرار دهد. بنابراین پرسش اصلی تحقیق این است که خانواده چه تأثیری بر مشارکت سیاسی زنان دارد؟ الگوهای رفتار سیاسی زنان، مفهوم مشارکت سیاسی، مشارکت سیاسی زنان در تاریخ معاصر، موانع مشارکت سیاسی زنان، موانع اجتماعی مشارکت سیاسی زنان، پیامدهای عدم مشارکت زنان، بایسته های مشارکت سیاسی زنان و خانواده و نقش خانواده در مشارکت سیاسی زنان بخشی از یافته ها و نتایج این تحقیق می باشند.

واژگان کلیدی: خانواده، زنان، مشارکت سیاسی

۱- مقدمه و بیان مسئله

بدون شک یکی از مسائلی که از ابتدای زندگی بشر تاکنون نقش مهم و اساسی ایفا نموده است و جوامع مختلفی را دچار سقوط و صعود کرده بحث آگاهی داشتن و شناخت افراد جامعه از محیط سیاسی و اجتماعی پیرامون خود می باشد. آگاهی سیاسی در برگیرنده طرز تلقی ها و ارزیابی از مسایل خاص سیاسی و یا از شخصیت ها و حوادث سیاسی است (داوسون، ۱۳۸۲). این آگاهی و بینش، متحرک و ایده آل ساز و آفریننده است که آن را می توان به معنای اعم ایدئولوژی، خود آگاهی انسانی، آگاهی اجتماعی و تاریخی، علم کمال و رهبری، شعور انقلابی و دگرگون کننده، درک مکتبی و مسلکی، درک آرمانی و بعثت اجتماعی خواند. آگاهی سیاسی یک معرفت ویژه فوق علوم و فنون است (زکریایی، ۱۳۷۶). به عبارت دیگر منظور از آگاهی سیاسی در اینجا، آگاهی ها، اطلاعات و دانسته های شهروندان درباره مفاهیمی مانند دولت، ملت، سیاست، حکومت، قدرت، اقتدار، مشروعیت، نفوذ سیاسی و غیره است که آنها را هرچه بیشتر برای احراز شأن شهروندی در جامعه ای مردم سالار آماده سازد. میزان آگاهی سیاسی مردم موتور پرقدرتی است که تأثیر بسزایی در سعادت یک جامعه دارد. مردم آگاه از مسائل سیاسی نه اجازه حکومت به افراد نالایق و ستمگر میدهند و نه در جریان حکومت به مسئولان

اجازه می دهند که از مسئولیت هایشان تخطی کنند و با انتقادهای سازنده خویش مسئولین اجرایی را متنبه می سازند و نمی گذارند افراد خاص حرکشان به جای منافع اکثریت، منافع و رفاه اقلیت افراد باشد. لذا وجود تشکلهای انجمن ها و به شکل قوی تر احزاب در هر کشور نشانه بلوغ و رشد سیاسی مردم آن کشور است (فلاح، ۱۳۸۸).

مقام معظم رهبری نیز درباره ضرورت آگاهی سیاسی مردم می فرماید: (یکی از خطوط ظریف موضع خود را شناختن و در اوج قرار گرفتن و هوشیاری سیاسی و شم سیاسی و قدرت تحلیل سیاسی داشتن به دور از ورود به دسته بندی های سیاسی شدن است). همچنین ایشان می فرمایند تحلیل سیاسی به شکل صحیح و پروراننده ذهن یک چیز بسیار مهمی است. ذهن باید پروریده شود. دوران دشوار هر انقلاب آن دورانی است که حق و باطل در هم ممزوج شود (مهدوی، ۱۳۸۹).

طی چند دهه ی گذشته جامعه ی زنان تحولاتی را از سر گذرانده است. با افزایش آگاهی و گسترش آموزش عالی، آنان توانمندی های خود را ارتقا داده اند و دیگر نمی توان زنان را در حاشیه ی مناسبات سیاسی - اجتماعی نگه داشت. اکنون آنها خواهان پایگاههایی هستند تا به موقعیت های بهتری دست یابند. واقعیت این است که زنان ایران امروز مصلحت اندیشی های موجود درباره ی حضور و مشارکت در مدیریت های کلان جامعه را به چالش کشیده اند. دیدگاه ساختی؛ تأکید می کند که زنان در بزرگسالی موانع ساختی را در تمایل خود به فعالیت سیاسی تجربه می کنند. تفاوت های جنسی در امور سیاسی در دوره ی کودکی بروز نمی کند، بلکه تفاوت وقتی ظاهر می شود که مجموعه ی نقش زن در خانواده تغییر می یابد (هیوز، ۱۹۸۷). دیدگاه وضعیتی؛ معتقد است از آنجا که زنان در امور خانه و خانواده درگیر شده اند، فرصت کمتری برای فعالیت سیاسی دارند و یا به دلیل تجربه ی اندک سیاسی کمتر به آن توجه نشان می دهند. زنان به دلیل تأکید جامعه بر حفظ و نگهداری کیان خانواده ارتباط کمتری با فعالیت سیاسی که اساساً امری بیرونی است، دارند (لیپست، ۱۹۸۴). دیدگاه کارکردی؛ کارکرد زنان را به امور خانوادگی محدود دانسته و بر این باور است که واگذاری نقش اقتصادی و سیاسی به زنان سبب تخریب کارکردهای کنونی جامعه می شود (پارسنز، ۱۹۵۱). به عقیده ی پارسنز زنان در خانواده نقش عاطفی ایفا می کنند و از آنجا که آزادی زنان از خانواده به آشفتگی جامعه منجر می شود، کارکردی ندارد. مشارکت سیاسی درگیر شدن فرد در سطوح مختلف نظام سیاسی را شامل می شود. مشارکت سیاسی با اجتماعی شدن سیاسی رابطه دارد. در مشارکت سیاسی باید سه جنبه را بررسی کرد: شیوه ی مشارکت، شدت و کیفیت آن (پری، ۱۹۹۰).

آنچه مسلم است این که امروزه زنان در برخی موارد به گونه ای به حوزه زندگی خصوصی یعنی خانواده رانده شده و از دخالت در سیاست و نقشهای اجتماعی محروم شده اند. البته در برخی موارد کوششهای جنبشهای فمینیستی بی نتیجه نبوده و در تغییر نگرشها و اصالت بینشها نسبت به مشارکت زن تأثیر زیادی داشته است اما هنوز زنان از جایگاه لازم در مشارکت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی برخوردار نشده اند و در برخی جوامع به گونه ای مورد طرد نهادهای سیاسی رسمی واقع گردیده اند و مشارکت آنها هنوز در بسیاری از جوامع مورد پذیرش واقع نشده است. در این میان خانواده یک زن در مشارکت سیاسی او نقشی مهم و اثرگذار دارد. در واقع یک زن بدون حمایت خانواده نمی تواند در مناسبات سیاسی نقش آفرین بوده و مشارکت کند.

در باب اهمیت و ضرورت انجام این تحقیق می توان گفت که متأسفانه امروزه با تهاجم گسترده غرب علیه زنان ایرانی، سعی می شود تا نقش پررنگ زن در مشارکت های اجتماعی و سیاسی جامعه کم رنگ شود. از طرفی سعی شده است تا با فاصله انداختن میان خانواده و مشارکت سیاسی زنان، به گونه ای القا شود که زنانی که مشارکت سیاسی دارند، از خانواده های از هم گسیخته برخوردارند. بدون تردید نقش خانواده در حضور سیاسی زنان در جامعه، نقشی پررنگ و بسیار حائز اهمیت است. اگر خانواده در ایفای این نقش کوتاهی کند، تاریکی و گمراهی نصیب اعضای خانواده، مخصوصاً فرزندان و بالتبع جامعه خواهد شد.

این تحقیق می کوشد تا نقش و تاثیر خانواده بر مشارکت سیاسی زنان را مورد واکاوی و بررسی قرار دهد. بنابراین پرسش اصلی تحقیق این است که خانواده چه تاثیری بر مشارکت سیاسی زنان دارد؟

۲- پیشینه تحقیق

ردیف	نوع پژوهش	نام نویسنده و سال	عنوان
۱	کتاب	سیمین حاجی پور ساردویی (۱۳۹۸)	« زنان و مشارکت سیاسی »
۲	کتاب	مهرانگیز کار (۱۳۸۰)	مشارکت سیاسی زنان: موانع - امکانات
۳	مقاله	هما زنجانی زاده (۱۴۰۱)	مشارکت سیاسی زنان و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن، چالشهای نوین
۴	مقاله	علی اصغر هدایتی، مژگان عظیمی هاشمی و محمود قاضی طباطبایی (۱۳۹۴)	« مشارکت سیاسی زنان در ایران و عوامل مؤثر بر آن »
۵	مقاله	فاطمه گلایی و فتنه حاجی لو (۱۳۹۱)	« بررسی جامعه شناختی برخی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت سیاسی زنان »
۶	مقاله	الهه کولایی و عقیقه عبادی (۱۳۹۵)	نگاهی بر مشارکت سیاسی زنان ایران در بین سال های ۲۰۰۱-۲۰۱۱
۷	مقاله	زهرا پیشگامی فرد و محمد زهدی (۱۳۸۹)	بررسی جایگاه و نقش زنان خاورمیانه در مشارکت سیاسی
۸	مقاله	محمد حسین پناهی و سمیه سادات بنی فاطمه (۱۴۰۱)	فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی زنان

با توجه به جستجوهای محقق مشخص شد که تقریباً هیچ مقاله، تحقیق و یا کتابی به طور خاص به مسئله نقش خانواده در مشارکت سیاسی زنان پرداخته است. و یا حداقل محقق در جستجوهای خود به این نتیجه دست نیافت. از این رو این تحقیق به لحاظ پرداختن به نقش خانواده در مشارکت سیاسی زنان دارای نوآوری است.

۳- الگوهای رفتار سیاسی زنان

باورهای عمومی همواره آگاهی کم تر سیاسی و بی تفاوتی نسبت به سیاست را به زنان نسبت داده اند و بر گرایش زنان به احزاب راست و محافظه کار در صورت مشارکت تأکید داشته اند. پژوهش های اجتماعی انجام گرفته در این حوزه نیز در بسیاری موارد

بر این باورهای عمومی صحنه گذاشته‌اند. مهم‌ترین الگوهای رفتار سیاسی زنان که بر اساس پژوهش‌ها مورد تأکید قرار گرفته‌اند «پیروی زنان از شوهران در رفتار سیاسی»، «محافظه‌کاری زنان از نظر سیاسی»، «سنت‌گرایی زنان» و «سیاست‌گریزی زنان» بوده است.

با وجود این که در پژوهش‌ها، بر رفتار تبعی زنان از شوهران‌شان در امور سیاسی توجه شده اما در عین حال بر گرایش‌های محافظه‌کارانه تر زنان نسبت به مردان تأکید شده است و در واقع تمایل به نظرات سیاسی شوهران، هرچند که این نظرات غیر محافظه‌کارانه باشد، متضمن نوعی محافظه‌کاری قلمداد شده است. برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند که در تمام کشورهایی که اطلاعاتی از آنان در دست است، زنان بیش از مردان از احزاب محافظه‌کار حمایت کرده‌اند؛ رابطه میان تعلقات مذهبی، محافظه‌کاری و زن بودن در پژوهش‌های مختلف مورد تأکید قرار گرفته است و برخی ریشه اصلی گرایش بیشتر زنان به احزاب محافظه‌کار را در در تعلقات مذهبی آنان جستجو کرده‌اند. با این حال استدلال‌های متعددی، قطعیت چنین نظری درباره رفتار سیاسی زنان را نقض کرده‌اند و الگوی گرایش محافظه‌کارانه زنان مورد تأیید همه‌جانبه قرار نگرفته است. شواهد بسیاری در تناقض و یا تضاد با چنین نظری مورد تأیید قرار گرفته‌اند و بر اساس پژوهش‌های بسیاری نیز رابطه مستقیمی بین جنسیت و گرایش سیاسی مشاهده نشده و یا دست کم به تفاوت قابل ملاحظه‌ای دیده نشده است. یکی دیگر از الگوهای رفتار سیاسی زنان که در نتیجه پژوهش‌ها مورد تأکید قرار گرفته سنت‌گرایی زنان در سیاست است؛ به این معنا که وفاداری نسبت به احزابی که به طور سنتی در قدرت بوده‌اند (چپ یا راست) و در نتیجه ثبات و تداوم در شیوه رأی دادن در بین زنان بسیار رایج‌تر بوده است و برای زنان، نوسان در عقاید سیاسی در مجموع ناخوشایندتر است تا برای مردان. با این حال در این زمینه نیز پژوهش‌های زیادی چنین نظری را نقض کرده‌اند و یا نتایجی در نقطه مقابل آن گرفته‌اند. برخی پژوهش‌ها از سرسری بودن و بی‌ثباتی زنان در گرایش‌های حزبی سخن گفته‌اند و این که زنان زودتر و راحت‌تر از مردها حزب خود را عوض می‌کنند. با این حال به نظر می‌رسد چنین نظراتی نیز بر اساس پژوهش‌های محدودی بنا نهاده شده است و از قطعیت لازم برخوردار نیست. به طور کلی به نظر می‌رسد باورهای عمومی درباره رفتارها و گرایش‌ها سیاسی زنان از قطعیت چندانی برخوردار نیستند و پژوهش‌های مؤید چنین باورهایی نیز به دلایلی از جمله جانب‌داری در تحقیق و یا عدم توجه به جوانب مختلف مسئله و ریشه‌یابی دلایل، از دقت کافی برخوردار نیستند. با این حال چنین نظراتی بعضاً ریشه در واقعیات اجتماعی دارد؛ علاقه کم‌تر زنان به امور سیاسی، سطح دانش سیاسی پایین‌تر و مشارکت کم‌تر در وجوه مختلف زندگی سیاسی نسبت به مردان از جمله واقعیات رفتار سیاسی زنان است که در نتیجه پژوهش‌ها به دست آمده است. بررسی و ریشه‌یابی این مسئله از دو منظر حائز اهمیت ویژه است. یکی جستجو در نوع و شیوه جامعه‌پذیری و تعلیم و تربیت زنان که اغلب این علت مورد تأکید و توجه بوده است. اما منظر دوم که گاه تا حدی مغفول واقع شده و تا حدی نادیده گرفته شده است ساخت قدرت سیاسی و نحوه سازمان‌دهی آن در غیر سیاسی کردن زنان بوده است (بشیری، ۱۳۸۵).

۴- مفهوم مشارکت سیاسی

قبل از بررسی وضعیت مشارکت زنان ایرانی در صحنه سیاست در ادوار مختلف، ضروری است اجزای تشکیل دهنده مشارکت سیاسی یعنی سیاست، مشارکت، مشارکت سیاسی، ابعاد و انواع آن بررسی شود، سپس نحوه مشارکت سیاسی زنان را بر اساس تعاریف و ابعاد فوق در برهه های مختلف زمانی، قبل و بعد از انقلاب اسلامی در ایران مورد بررسی قرار دهیم. سیاست معادل پولیتیک^۱ در زبان فرانسه است. این کلمه برگرفته از واژه لاتین^۲ به معنای هنر و عمل حکومت در کشور بوده است. «دهخدا» سیاست را عبارت از پاس داشتن ملک، حکم راندن بر رعیت، تدبیر و دوراندیشی می داند. در فرهنگ عمید، لغت مشارکت به معنای شرکت کردن با هم، با یکدیگر شریک شدن، سهم داشتن در کاری یا چیزی و حضور پیدا کردن در گروهی برای امری می باشد.

بر اساس تعریف «آلن پیرف» مشارکت، مورد مشورت قرار دادن قبل از تصمیم گیری است به نحوی که اظهار نظر شخصی و اعمال مراقبت در جریان اجرای این تصمیم و تحول و نتایج آن امکان داشته باشد. بنابراین مشارکت عبارت است از: دخالت انسان در سرنوشت خویش. در معنای خاص سیاست را تدبیری می دانند که در اداره امور کشور و تعیین شکل و محتوای فعالیتها، اتخاذ شده و در دو بخش داخلی و خارجی به کار گرفته می شود. مشارکت سیاسی^۳ عملی داوطلبانه، موفق یا ناموفق، سازمان یافته با بدون سازمان، دوره ای یا مستمر برای تأثیر گذاشتن بر انتخاب سیاستها و اداره امور عمومی، انتخاب رهبران سیاسی در هر سطحی از حکومت ملی یا محلی است. با توجه به تعاریف بالا، مشارکت سیاسی، عملی مشاهده شدنی است که به طور داوطلبانه صورت می گیرد و برای شهروندان این حق را قائل می شود که رهبران سیاسی را انتخاب کنند، بر فرآیند تصمیم گیری ملی و محلی تأثیر بگذارند، در امور محله، شهر و یا روستای خود شرکت کنند و به صورت مستقیم و غیر مستقیم در شکل دادن به حیات سیاسی و اجتماعی خود سهم شوند. مشارکت سیاسی را از ابعاد مختلف می توان طبقه بندی کرد: مشارکت سیاسی فعالانه؛ نظیر: حضور تشکلهای؛ موضع گیریها؛ اظهار نظر در مطبوعات و ... مشارکت منفعلانه نظیر: حضور در پای صندوقهای رأی گیری است (ایوبی، ۱۳۷۷).

۵- مشارکت سیاسی زنان در تاریخ معاصر

الف) پیش از انقلاب

در زمان قاجار به طور مستقیم و غیر مستقیم وظایفی را در عرصه سیاست به عهده داشتند. البته زنان در سراسر کشور از موقعیت یکسانی برخوردار نبودند و بر حسب عرف، عادات و سنن محلی، موقعیتهای متفاوتی داشتند. ولی فعالیت اکثر آنها محدود به بچه داری، خانه داری، کشاورزی و نساجی بود. ارتباط با کشورهای خارجی در این دوران سبب دگرگونی در ساختار زندگی زنان پایتخت و شهرهای بزرگ شد و آموزش دختران نیز مورد توجه قرار گرفت. در این برهه از تاریخ، زنان ایرانی

^۱ Politique

^۲ Politicus

^۳ Political Participation

زندگی و بیرون آمدن خانواده از «خوش باشی در زمان حال» به زندگی آینده‌نگرانه، مسئولیت محور، جمع‌گرا و مصلحت مدار است.

تجربه حوادثی مانند وقایع سال ۸۸ نشان داد که آنگاه که مسئله‌ای سیاسی به عنوان موضوعی حساس و حیثیتی مطرح باشد، خانواده با تمامی اعضای خود در قبال آن احساس مسئولیت کرده، در آن مشارکت می‌کند. ویژگی وقایع سال ۸۸ آن بود که هم مسئولان نظام، هم اطراف نزاع و هم دوست و دشمن آن را جدی گرفتند و تمام ظرفیت خود را به کار گرفتند و از آن استفاده کردند و خانواده ایرانی که صحنه دیگری را خطیر تشخیص داده بود، نسبت به آن واکنش نشان داد. بنابراین به میزانی که خانواده برای موضوعی ارزش می‌دهد، با آن مواجه می‌شود و برای آن هزینه نیز خواهد کرد؛ اما باید پرسید چرا خانواده تنها با موضوعاتی این چنین خطیر درگیر می‌شود و موضوعات دیگر را واجد شرایط لازم برای مداخله ارزیابی نمی‌کند؟

به نظر می‌رسد نکته اصلی آن است که آستانه احساس مسئولیت سیاسی در خانواده بالا رفته است، یعنی محرک‌های سیاسی به راحتی نمی‌توانند خانواده را متلاطم و درگیر کنند و بخشی از این نقیصه به الگوی سبک زندگی بازمی‌گردد. سوم. مدیریت روانی جامعه؛ هم‌اکنون ابزارهای رسانه‌ای که سرگرمی را از حاشیه به متن زندگی آورده‌اند، فرهنگ جدیت را تحت الشعاع قرار می‌دهند و جذابیت‌هایی، به ویژه برای قشر زنان، به همراه دارند تا بیشتر وقت و دغدغه خود را با رسانه‌ها تقسیم کنند و مجال کم‌تری برای ورود به عرصه‌های سیاسی اجتماعی باقی بماند. در چنین فضایی مسئولیت نهادهای تبلیغی و مدیریتی جامعه آن است که با شناسایی ابعاد روان‌شناسانه زنان و با اتخاذ سیاست خانواده‌گرایانه در تبلیغ، احساسات مذهبی و فطری زنان را با مسائل مهم اجتماعی و سیاسی درگیر کنند تا زنان نسبت به مسئولیت‌های سیاسی خود احساس مسئولیت کنند.

در اینجا لازم است به آسیب موجود در نهادهای تبلیغی رسمی و غیررسمی کشور اشاره کنیم که ناتوانی خود را در ترسیم مرزبندی‌های سیاسی و تقویت آگاهی‌ها و احساس مسئولیت عمومی، آشکارا نشان داده‌اند. امروزه نهادهای تبلیغی دینی، سیاستی روشن و مدون در قبال خانواده و حوزه سیاست‌ندارند و رسانه ملی با وجود سیاست‌زدگی در برخی عرصه‌ها تا حدودی در حوزه هنری سیاست‌گریز است. برای مثال با وجود آنکه برخی آثار هنرمندان غربی، تلاش‌های به نسبت خوبی برای ارتقاء آگاهی‌های سیاسی به شمار می‌آید، رسانه ملی از ظرفیت‌های جامعه هنری ایران برای این مقصود کم‌تر بهره گرفته است. مبلغان روحانی نیز در سالیان گذشته به جای آنکه در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی، نقش فعال‌تری ایفا کنند، بیشتر بر لایه بیرونی رفتار سیاسی متمرکز شده‌اند. گرچه استاد شهید مرتضی مطهری، در دهه ۱۳۵۰ ورودی علنی، اما کم‌رنگ به مباحث سیاسی انقلابی نشان داد، اما ایشان با تمرکز بر حوزه فرهنگ و تبیین قواعد مربوط به درک سیاسی، کسانی را در محضر خود تربیت کرد که از فعالان نهضت اسلامی بودند.

چهارم. ارائه الگوهای مشارکت سیاسی زنانه؛ چنانکه گفته شد، زنان برای حضور در برخی صحنه‌های سیاسی انگیزه کم‌تری دارند و روابط خانوادگی و اجتماعی برای آنان جذاب‌تر است. این نکته را می‌توان ظرفیت به‌شمار آورد. اگر بصیرت و آگاهی سیاسی زنان افزایش یابد و به ابعاد سیاسی در روابط خانوادگی و اجتماعی توجه کنند، می‌توان در جهت‌گیری، انگیزه و ارتقاء عملکرد آنان تأثیر گذارد. برای مثال می‌توان زمینه‌ای فراهم کرد که در جلسات خانوادگی، محفل‌های زنانه و برنامه‌های

خانوادگی صدا و سیما، کالاهای فرهنگی که امروز بخشی از سبد هزینه‌ای خانوار را تشکیل می‌دهد و مورد دغدغه اعضای خانواده است، با پیوست سیاسی آن (چگونگی تسلط بیگانگان از طریق کالاهای فرهنگی) به بحث گذاشته شده و چگونگی مواجهه با آن بررسی شود و نیز تأسیس و اداره فرهنگ‌سراهای مربوط به دختران، نوجوانان و بانوان، تربیت نسل انقلابی و تقویت بصیرت سیاسی و روحیه انقلابی را به یک هدف تبدیل کرد.

از سوی دیگر به دلیل تمایلات و کارکردهای خاص زنان، نیازمندیم تا آنان را به عرصه‌هایی از فعالیت سیاسی امروزی، که آرامش، متانت و سهولت بیشتر و نتایج جزئی و ملموس‌تری دارند، هدایت کنیم. گرچه می‌توان رأی‌دهی را مصداقی از مشارکت سیاسی کم‌زحمت و روان دانست، اما قطعاً می‌توان مصداق بیشتری برای آن یافت و یا طراحی کرد؛ حتی مصداقی که به لحاظ پایداری فعالیت، اثرگذارتر باشد.

پنجم. توجه به جامعه‌پذیری سیاسی فرزندان؛ هم‌اکنون بسیاری از والدین گله دارند که فرزندان‌شان چنان که باید روحیه انقلابی و انگیزه سیاسی ندارند. می‌توان یکی از عوامل آن را ناکارآمدی خانواده در جامعه‌پذیری سیاسی فرزندان دانست. اگر مدار ارزش‌گذاری‌ها در خانواده براساس اصل تولی و تبری باشد، حساسیت‌ها به مسیرهای خاصی هدایت می‌شود و حتی در تفریح‌ها و بازی‌ها به گونه‌ای ملایم به این نکات توجه خواهد شد و تأثیر خود را بر جای خواهد گذاشت.

ششم. تهذیب فضای سیاسی؛ در مباحث مربوط به روان‌شناسی اجتماعی، عوامل اجتماعی که در شکل‌گیری تصورات و ادراکات ما مؤثرند مورد توجه قرار می‌گیرد. اگر خانواده ایرانی در دهه ۱۳۸۰ تصور چندان مناسبی از حوزه سیاست ندارد، باید یکی از عوامل آن را عملکرد نهادهای قدرت و شخصیت‌های سیاسی دانست. خانواده باید برای بازسازی ادراک از حوزه سیاست، احساس کند فضای سیاسی فضای پاکی است که هزینه کردن برای آن ارزش دارد. چنین احساسی را در درجه اول، مسئولان و فعالان سیاسی کشور القا می‌کنند. انتظار می‌رود که شخصیت‌های سیاسی با اصلاح رویه سیاسی خود، الگویی اخلاق‌محور را به نمایش گذارند و آرامش و متانت، مدارا، انصاف، حق‌گرایی، آگاهی بخشی، وحدت و ولایت‌مداری را نشان دهند.

به علاوه باید خانواده و آحاد جامعه را ارج نهیم و آنها را در مسائل سیاسی جامعه درگیر نماییم و آنان را تا جایی که امکان دارد در جریان پشت صحنه مسائل و حوادث قرار دهیم. اگر فرهنگ مماشات در نهادهای گوناگون به عدالت‌محوری تبدیل شود، برای مثال مردم احساس کنند که اعمال فشارهای سیاسی در جریان رسیدگی به دانه درشت‌ها تأثیری ندارد و مدیریت‌ها و مناصب سیاسی و حتی مذهبی براساس رودربایستی و تسامح واگذار نمی‌شود، اعتماد مردم به حوزه سیاست جلب خواهد شد. به عبارت دیگر یکی از عوامل جذب خانواده‌ها به حوزه سیاست، افزایش «سرمایه اجتماعی» است.

۱۱- نتیجه‌گیری

بدون شک یکی از مسائلی که از ابتدای زندگی بشر تاکنون نقش مهم و اساسی ایفا نموده است و جوامع مختلفی را دچار سقوط و صعود کرده بحث آگاهی داشتن و شناخت افراد جامعه از محیط سیاسی و اجتماعی پیرامون خود می‌باشد. آگاهی سیاسی در برگیرنده طرز تلقی‌ها و ارزیابی از مسایل خاص سیاسی و یا از شخصیت‌ها و حوادث سیاسی است (داوسون، ۱۳۸۲). این آگاهی و بینش، متحرک و ایده آل ساز و آفریننده است که آن را می‌توان به معنای اعم ایدئولوژی، خود آگاهی

انسانی، آگاهی اجتماعی و تاریخی، علم کمال و رهبری، شعور انقلابی و دگرگون کننده، درک مکتبی و مسلکی، درک آرمانی و بعثت اجتماعی خواند. آگاهی سیاسی یک معرفت ویژه فوق علوم و فنون است (زکریایی، ۱۳۷۶). به عبارت دیگر منظور از آگاهی سیاسی در اینجا، آگاهی ها، اطلاعات و دانسته های شهروندان درباره مفاهیمی مانند دولت، ملت، سیاست، حکومت، قدرت، اقتدار، مشروعیت، نفوذ سیاسی و غیره است که آنها را هرچه بیشتر برای احراز شأن شهروندی در جامعه ای مردم سالار آماده سازد. میزان آگاهی سیاسی مردم موتور پرقدرتی است که تاثیر بسزایی در سعادت یک جامعه دارد. مردم آگاه از مسائل سیاسی نه اجازه حکومت به افراد نالایق و ستمگر می دهند و نه در جریان حکومت به مسئولان اجازه می دهند که از مسئولیت هایشان تخطی کنند و با انتقادهای سازنده خویش مسئولین اجرایی را متنبه می سازند و نمی گذارند افراد خاص حرکتشان به جای منافع اکثریت، منافع و رفاه اقلیت افراد باشد. لذا وجود تشکلهای، انجمن ها و به شکل قوی تر احزاب در هر کشور نشانه بلوغ و رشد سیاسی مردم آن کشور است (فلاح، ۱۳۸۸).

طی چند دهه ی گذشته جامعه ی زنان تحولاتی را از سر گذرانده است. با افزایش آگاهی و گسترش آموزش عالی، آنان توانمندی های خود را ارتقا داده اند و دیگر نمی توان زنان را در حاشیه ی مناسبات سیاسی - اجتماعی نگه داشت. اکنون آنها خواهان پایگاه هایی هستند تا به موقعیت های بهتری دست یابند. واقعیت این است که زنان ایران امروز مصلحت اندیشی های موجود درباره ی حضور و مشارکت در مدیریت های کلان جامعه را به چالش کشیده اند. دیدگاه ساختی؛ تأکید می کند که زنان در بزرگسالی موانع ساختی را در تمایل خود به فعالیت سیاسی تجربه می کنند. تفاوت های جنسی در امور سیاسی در دوره ی کودکی بروز نمی کند، بلکه تفاوت وقتی ظاهر می شود که مجموعه ی نقش زن در خانواده تغییر می یابد (هیوز، ۱۹۸۷). دیدگاه وضعیتی؛ معتقد است از آنجا که زنان در امور خانه و خانواده درگیر شده اند، فرصت کمتری برای فعالیت سیاسی دارند و یا به دلیل تجربه ی اندک سیاسی کمتر به آن توجه نشان می دهند. زنان به دلیل تأکید جامعه بر حفظ و نگهداری کیان خانواده ارتباط کمتری با فعالیت سیاسی که اساساً امری بیرونی است، دارند (لیپست، ۱۹۸۴). دیدگاه کارکردی؛ کارکرد زنان را به امور خانوادگی محدود دانسته و بر این باور است که واگذاری نقش اقتصادی و سیاسی به زنان سبب تخریب کارکردهای کنونی جامعه می شود (پارسنز، ۱۹۵۱). به عقیده ی پارسنز زنان در خانواده نقش عاطفی ایفا می کنند و از آنجا که آزادی زنان از خانواده به آشفتگی جامعه منجر می شود، کارکردی ندارد. مشارکت سیاسی درگیر شدن فرد در سطوح مختلف نظام سیاسی را شامل می شود. مشارکت سیاسی با اجتماعی شدن سیاسی رابطه دارد. در مشارکت سیاسی باید سه جنبه را بررسی کرد: شیوه ی مشارکت، شدت و کیفیت آن (پری، ۱۹۹۰).

آنچه مسلم است این که امروزه زنان در برخی موارد به گونه ای به حوزه زندگی خصوصی یعنی خانواده رانده شده و از دخالت در سیاست و نقشهای اجتماعی محروم شده اند. البته در برخی موارد کوششهای جنبشهای فمینیستی بی نتیجه نبوده و در تغییر نگرشها و اصالت بینشها نسبت به مشارکت زن تأثیر زیادی داشته است اما هنوز زنان از جایگاه لازم در مشارکت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی برخوردار نشده اند و در برخی جوامع به گونه ای مورد طرد نهادهای سیاسی رسمی واقع گردیده اند و مشارکت آنها هنوز در بسیاری از جوامع مورد پذیرش واقع نشده است. در این میان خانواده یک زن در مشارکت سیاسی

او نقشی مهم و اثرگذار دارد. در واقع یک زن بدون حمایت خانواده نمی تواند در مناسبات سیاسی نقش آفرین بوده و مشارکت کند.

منابع:

- اطاعت، جواد (۱۳۷۶). «مشروعیت، مقبولیت و مشارکت سیاسی»، مجموعه مقالات مشارکت سیاسی، (تهران، نشر سفیر
- فیرحی، داود (۱۳۷۷) «مفهوم مشارکت سیاسی» فصلنامه علوم سیاسی، سال اول، شماره اول، سال،
- تبریز نیا، حسین (۱۳۹۱) علل ناپایداری احزاب سیاسی در ایران، (تهران: مرکز نشر بین الملل
- عالم، عبدالرحمان (۱۳۹۵)، بنیادهای علم سیاست، (تهران: نشرنی
- نهج البلاغه، ترجمه محمددشتی، نامه ۶۲
- مدرسی، سید محمدتقی (۱۳۸۰)، آزادی و مسئولیت زن، ترجمه حمیدرضا آژیر، (تهران: محبان .الحسین(ع)
- مهریزی، مهدی (۱۳۸۱)، زن در اندیشه اسلامی، (تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- رضائیان، عباس «بررسی تأثیر عوامل اقتصادی- اجتماعی بر میزان تمایل به مشارکت سیاسی زنان در شهر بوشهر»،
- قاسمی، وحید (۱۳۷۹) «تحلیلی بر وضعیت مشارکت سیاسی زنان در استان اصفهان»، (دفتر امور بانوان اصفهان، خرداد ماه
- محسنی تبریزی، علیرضا و دیگران (۱۳۸۴) «طرح ملی بررسی مشارکت سیاسی زنان در ۲۸ مرکز استان کشور» (دفتر امور بانوان وزارت کشور،)
- بشیریه، حسین (۱۳۸۵)؛ جامعه شناسی سیاسی، نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی؛ تهران: نشر نی
- آراسته خو، محمد (۱۳۷۰). نقد و نگرش اصطلاحات علمی- اجتماعی، تهران: نشر گستره
- ایوبی، مجدالله (۱۳۷۷). مشارکت انتخاباتی. مجموعه مقالات مشارکت سیاسی. تهران: نشر سفیر
- طهماسبی گنجور، طاهره (۱۳۷۹). سنجش گرایش دانشجویان دختر نسبت به مشارکت سیاسی و عوامل مؤثر بر آن، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء(س)
- فخرایی، سیروس (۱۳۷۶). موانع ساختاری مشارکت زنان در ایران، مجموعه مقالات گردهمایی سیمای زن در جامعه، دانشگاه تبریز
- نوری، مهدی (۱۳۷۶). جایگاه زنان در جامعه مدنی، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی
- راسل، برتراند، قدرت، ترجمه، نجف دریابندی، تهران، ۱۳۴۹.
- عبدالرحمن عالم، بنیاد های علم سیاست، نشر نی، تهران
- رابرت دال، تجزیه و تحلیل علم سیاست، ترجمه حسین ظفریان، تهران، ۱۳۶۴.
- بیرو، آلن (۱۳۷۵). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه ی دکتر باقر ساروخانی. تهران: سازمان انتشارات کیهان. صفحه ی: ۲۷۲.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۹). چالشهای توسعه سیاسی. تهران: نشر قومس. صفحه ی: ۱۰۵.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۹). سیاستهای مقایسه ای. تهران: سمت. صص: ۱۵۸-۱۵۷.

- سریع القلم ، محمود. (۱۳۸۹)، فرهنگ سیاسی ایران ، تهران : نشر فرزانه روز. صفحه ی :۲۱
- عالم ، عبدالرحمن. (۱۳۸۸)، بنیادهای علم سیاست ، تهران: نشرنی . صص:۱۱۲-۱۱۳
- سریع القلم ، محمود. (۱۳۸۹)، فرهنگ سیاسی ایران ، تهران : نشر فرزانه روز. صفحه ی :۱۱
- ملکی ، مهدی (۱۳۸۹) ، " طلوعی نه چندان سیاه؛ کاوشی در اندیشه ی نیکولو ماکیاوولی ". تهران : دانشگاه تربیت معلم تهران.